اعلام نامزدهای جشن خانه سینما و رکورداری ۲ فیلم

ایرنا: نامزدهای بیست و یکمین جشن سینمای ایران توسط کمیته صیانت از آرای انجمن عالی هنرها و فنون سینمایی که متشکل از عبداله اسکندری، حسن حسندوست، سعید رشتیان، رضا مقصودی (اعضای کمیته صیانت)، مرتضی رزاق کریمی (نماینده هیئت مدیره)، رامین حیدری فاروقی (رئیس انجمن عالی هنرها و فنون سینمای ایران) و مازیار میری (مدیر اجرایی انجمن عالی هنرها و فنون سینمای ایران) هستند، اعلام می‌شوند. دو فیلم رکورددار این دوره شبی که ماه کامل شد به کارگردانی نرگس آبیار و مغزهای کوچک زنگ زده ساخته هومن سیدی هستند که هر کدام در ۱۴ بخش نامزد شده‌اند. دیگر فیلم‌های رکورددار به ترتیب نامزدی تنگه ابوقریب در ۱۰ بخش، سرخپوست و متری شش و نیم در ۹ بخش، آشغال‌های دوست داشتنی در پنج بخش، سرو زیر آب و عرق سرد در چهار بخش نامزد دریافت جایزه جشن خانه سینما هستند.

سایت انجمن عکاسی میراث فرهنگی رونمایی شد

پایگاه اینترنتی انجمن عکاسی میراث فرهنگی در گردهمایی اعضای این انجمن در کافه تماشاخانه ایرانشهر رونمایی شد. در این آیین سایت این انجمن به نشانی chpsi.it هم معرفی شد. در این مراسم تعداد زیادی از اعضای انجمن عکاسی میراث فرهنگی و عکاسان، مدیران شرکت‌های تجهیزات عکاسی، معاون گردشگری سازمان نوسازی اراضی عباس‌آباد و مدیر کل روابط عمومی سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری حضور داشتند. مسعود زنده روح کرمانی، رئیس هیئت مدیره انجمن عکاسی میراث فرهنگی در این مراسم گفت: در یک سال و نیم گذشته سعی شد تا ساختار و نظمی در انجمن برقرار و امور اداری و عضویت افراد دیجیتال شود. سایت انجمن عکاسی میراث فرهنگی در این راستا راه‌اندازی شد و عضویت افراد از طریق سایت انجام می‌شود و اعضای انجمن در سایت صفحه‌ای دارند که درخواست داریم اطلاعات خود را درباره فعالیت‌ها، آثار، نمایشگاه‌ها و ... در سایت تکمیل کنند.

تحلیل

«مزدک میرزایی» تو هم؟!

بمب فصل نقل و انتقالات در صدا و سیما ترکید

عصر ایران / احسان محمدی

آخرین بار بهمن پارسال همدیگر را دیدیم. در حال ساخت مستندی درباره تاریخ دو باشگاه بزرگ استقلال و پرسپولیس بود. ظهرش زنگ زد و جریان را گفت و اینکه می‌خواهد به عنوان روزنامه‌نگار من هم در این مستند در مورد پرسپولیس دهه ۷۰ حرف بزنم. آنقدر فروتن و بدون دک و پُز حرف می‌زد که نمی‌شد «نه» گفت.

غروب دفترش بودم. دومین همکاری مشترک بعد از مستند تاریخ تیم‌ملی ایران. مثل همیشه با لبخند آرامی در را باز کرد و دست داد و خوش‌آمد گفت. یک واحد آپارتمان جمع و جور را برای ضبط انتخاب کرده بود. نه گریموری در کار بود نه دکور و صدابرداری. مثل خیلی دیگر از کارهایی که تقریباً با دست خالی ساخت.

مردی که فیلم‌بردار بود، میکروفن یقه‌ای من را نصب کرد، مزدک کنارش نشست، سوالی می‌پرسید و من رو به دوربین پاسخ می‌دادم. بعد اصغر حاجیلو رسید که آن روزها سرپرست تیم استقلال بود. آنقدر شوخی کرد و خاطرات منشوری از تیم ملی اعزامی به جام ملت‌های ۱۹۸۴ گفت که میرزایی از خنده ریسه می‌رفت.

خسته نشان می‌داد، اما شبیه کسی نبود که قصد رفتن داشته باشد. اتفاقاً ساخت این مستند را جدی گرفته بود گرچه از عدم حمایت مالی و فقدان اسپانسر دل‌چرکین بود. با این همه جز رابطه کاری توأم با احترام متقابل، رابطه دوستانه عمیقی نداشتیم که سفره دل‌مان را باز کنیم.

آن‌ها که با مزدک میرزایی از نزدیک کار کرده‌اند می‌دانند که تفاوتی با همان مجری-گزارشگر قاب تلویزیون نداشت. همیشه انگار از حمام بیرون آمده بود؛ آراسته، اتوکشیده، خوش‌پوش با میمیک چهره تقریباً ثابت و بدون فراز و فرود در لحن صدا و گزارش و همه چیز. خط کشیده. استاندارد.

اهل بحث و جدل نبود و در جلسات ساکت می‌نشست و یکی دو جمله بیشتر نمی‌گفت. آدم احساس می‌کرد از چیزی دلخور است و نمی‌گوید. خیلی اهل فضای مجازی نبود و دیر به دیر شبکه‌های اجتماعی‌اش را چک می‌کرد. می‌دانستم برای ساخت مستندهایش چقدر اذیت می‌شود. لشکر یک نفره بی‌سر و صدا و بی‌ادعایی بود. خبر رفتنش را که دیدم خیلی تعجب نکردم. برخلاف آن‌ها که سر و صدا می‌کنند و هیاهو دارند، اتفاقاً آن‌ها که سر به تو دارند تصمیم‌های بزرگ و عجیب می‌گیرند. اولین قابی که تصور کردم این بود که با لباس‌های کرم و روشن_رنگی که انگار بیشتر دوست داشت_و کروات در استودیویی سفید و آبی رنگ نشسته، لبخند کنترل شده‌ای می‌زند و کارش را پی می‌گیرد.

آسمان اینور و آنور یکی است، اما زمینش نه. لابد فرق می‌کند که تا کسی پایش را آنور می‌گذارد پوست می‌اندازد و مثل چریک‌ها حرف می‌زند، اما بعید است مزدک میرزایی با آن شخصیت خونسرد بخواهد چیزی در مورد سازمانی که او را چهره کرد بگوید. او آنقدر نرم‌خو، مطیع، بدون جنجال و حاشیه و افتاده نشان می‌داد که شاید آخرین گزینه‌ای بود که می‌شد حدس زد به شبکه‌های ماهواره‌ای بپیوندد. در مورد سازمان صدا و سیما چه راز مگویی ممکن است بداند و اصلاً مگر او را این اواخر بازی هم می‌دادند؟ او در مورد دلایل توقیف ۹۰ حرف می‌زند؟ حرف‌هایی که هرجا زده شود به هرحال مشتری‌های پر ولعی دارد.

آیا می‌شود او را یکی دیگر از قربانیان ۹۰ به شمار آورد؟ مزدک دو بار در غیاب عادل فردوسی پور ۹۰ را اجرا کرد، دو اجرای بی‌هیاهو که اصلاً شکل ۹۰ نبود، تیپ شخصیتی او و عادل با هم تفاوت داشت، اما او سال‌ها پرسش برنامه ۹۰ را می‌خواند. یک آیتم یکی دو دقیقه‌ای که معمولاً حرفه‌ای‌ها به آن تن نمی‌دهند آن هم در برنامه‌ای که یک «رقیب» مجری و تهیه کننده‌اش است، اما مزدک میرزایی همین است؛ آرام و بی‌جنجال. یا همین بود؛ آرام و بی‌جنجال!

روزنامه‌های ورزشی عکس او را روی جلد زدند، در فصل نقل و انتقالات او بمب خبری شد. مهاجرت یک انتخاب شخصی است و هر کسی برای رفتن یا ماندن دلایل قانع کننده خودش را دارد، اما این شکل جدایی مزدک میرزایی که یک سرمایه اجتماعی بود، خسارت‌بار است. باید مراقب سرمایه‌های دیگر بود.

درباره سینمایی «سرخپوست» یکی از فیلم‌های خوب امسال

یک نئووسترن عالی ایرانی

علیرضا جعفری / فرارو

سرخپوست دومین ساخته نیما جاویدی پس از ملبورن است. با وجود موفقیت نسبی ملبورن برای جاویدی، او در این فیلم توانسته گامی بزرگ و به سلامت را بردارد.

فیلم با ریتم خوب و متعادل و یکدست آن، مخاطب را با خود همراه می‌سازد و روایت خیلی روان آن، قصه را به آسانی و بدون ادا و اطوار تعریف می‌کند. علاوه بر این، بازی‌های بسیار خوب فیلم، به ویژه بازی نوید محمدزاده که به حتم شایستگی سیمرغ را داشت (بسیار بیشتر از فیلم‌هایی که برایشان سیمرغ گرفت) به روایت و ریتم فیلم کمک کرده که مخاطب را به دنبال فیلم بکشاند. البته نباید از فیلم‌برداری شگفت‌انگیز هومن بهمنش گذشت که با همراهی طراحی صحنه مینیمالیستی محسن نصرالهی توانسته موقعیت بکری را شبیه‌سازی کند که یادآور نئووسترن‌های آمریکایی است. (نام فیلم نیز این نزدیکی را بیش از پیش می‌کند)

فیلم با جابه‌جایی زندان برای احداث باند جدید فرودگاه آغاز می‌شود و با گم شدن یک زندانی وارد تنه اصلی قصه می‌شویم. برای در تنگنا قرار گرفتن بیشتر سرگرد نعمت جاهد (با بازی نوید محمدزاده) در این موقعیت، نویسنده تمدیدی اندیشیده و همزمان با گم شدن زندانی، سرگرد خبر ترفیعش را از مافوقش (با بازی مانی حقیقی) می‌شنود. حال این ارتقای شغلی در گرو پیدا کردن زندانی قرار می‌گیرد. نه تنها ارتقا که کل زندگی حرفه‌ای سرگرد. این تنگنا، با فشار پی در پی پیمانکار باند فرودگاه (با بازی آتیلا پسیانی)، لحظه به لحظه شدت می‌یابد و حتی یکی دو بار، سرگرد را تا مرز تسلیم شدن پیش می‌برد. با ورود خانم مشاور (با بازی پریناز ایزدیار) قصه ضلع سومی پیدا می‌کند که موقعیتی بین قهرمان و قهرمان منفی قصه دارد و مشاور سعی دارد نقش میانجی را ایفا کند.

چیزی که سرخپوست را تبدیل به اثری متمایز می‌کند، این است که بر پایه اصول کلاسیک بنا شده است، ولی روایتی کلاسیک به معنای عرف آن ندارد. مثل تمام آثار کلاسیک و شاه پیرنگی، فیلم با یک گره اصلی بر سر راه قهرمان و شخصیت اصلی فیلم آغاز می‌شود و با گره‌های میانی و افت و خیزهایی، جلو می‌رود و با گره‌گشایی پایانی به سرانجام می‌رسد. تا این جا همه چیز کلاسیک است، اما در پرداخت قصه می‌بینیم که اصول کلاسیک در کمترین مقدار ممکن مورد استفاده قرار گرفته‌اند. این فیلم فاقد خرده روایت‌ها و قصه‌های فرعی است (به جز خط رقیق عشق میان سرگرد و مشاور) و ابهام در زندگی خصوصی شخصیت‌های اصلی که سرگرد نعمت جاهد و خانم مشاور باشد، زیاد است و عملا ما چیزی درباره زندگی شخصی آن‌ها نمی‌دانیم. پیچش یا نقطه عطفی به آن صورت اتفاق نمی‌افتد و قطعات داستان دومینووار پی هم می‌آیند و هیچ کدام ارزش داستانی بیشتری بر دیگری ندارد تا برسیم به لو رفتن نیت مشاور که یک پله بر آگاهی سرگرد جاهد می‌افزاید و با ما مخاطبان در یک سطح آگاهی قرار می‌گیرد (چون ما پیش‌تر گفت‌وگوی مشاور و زندانی با بازی حبیب رضایی را دیده‌ایم). این مسائل باعث شده که فیلم ساختاری نئوکلاسیک‌وار به خود بگیرد و اثری سهل و ممتنع به نظر آید.

علاوه بر آن ما با قهرمان منفی غایبی (شخصی که در برابر قهرمان ایستاده و می‌تواند منفی نباشد) طرف هستیم که دوئلی پنهان را با قهرمان -سرگرد- آغاز کرده است. این حضور پنهانی (با واکس‌هایی که به خود زده بیشتر ملموس می‌شود) چنان پیش می‌رود که حتی زمانی که او برای اولین و آخرین بار در نمای دوری ظاهر می‌شود، باز چهره‌اش را نمی‌بینیم تا این وجه نهان او تا به انتها حفظ شود. این ویژگی فیلمنامه که هم به اصول کلاسیک و هم به پرداخت مدرن پهلو می‌زند، با کارگردانی دقیق و دوربینی سیال که بین شخصیت‌ها و المان‌های تصویری شناور است، ما را در بین روایت معلق نگاه می‌دارد و لحظه به لحظه منتظریم که ببینیم سرانجام چه می‌شود. زندانی بی‌گناه محکوم به اعدام، بالاخره می‌گریزد؟ یا این که سرگرد جاهد می‌تواند او را بگیرد، سپس ارتقای شغلی پیدا کند تا سیستم نظامی از انسان شریف و پاکدستی، چون او محروم نشود؟

این جدال اخلاق و قانون که در اغلب جاها، عافیت‌اندیشی و زندگی شخصی بر آن سایه می‌اندازد، می‌توانست به عنوان زیر لایه‌ای محکم و قوی، در سراسر فیلم حس شود، اما چیزی که سرخپوست از آن لطمه می‌خورد، همین غیاب زیرمتنی این چنینی تا حدود دو سوم ابتدای فیلم است و ما این جدال را تنها پس از علنی شدن نیت مشاور و خواست او از سرگرد، مشاهده می‌کنیم. در حالی که ما تا قبل از یک سوم پایانی صرفا قصه‌ای تریلر گونه تک بعدی، اما جذاب را شاهد هستیم که بدون زیرمتن حرکت می‌کند و از این بستر مناسب نهایت استفاده را نمی‌برد. این قصه می‌توانست محمل مناسبی برای جدال قانون و اخلاق، اختلاف طبقاتی که باعث بروز این معضل شده (خانی که مرده و رعیتی که بی‌گناه به قتل متهم شده) و ... باشد. چیزی که در نمونه عالی آن، ما را به یاد دزد دوچرخه ویتوریا دسیکا و چزاره زاواتینی می‌اندازد. اما جاویدی از کنار این مسائل می‌گذرد تا به اصل قصه‌اش بپردازد؛ شاید که نیت او پرهیز از پراکنده‌گویی بوده است، اما این تنها نقطه ضعف فیلم نیست. پررنگ‌ترین اتفاق داستان از گره‌افکنی تا گره‌گشایی، جایی است که زن در قسمت لباس‌شویی به دنبال زندانیِ فراری آمده است و او را صدا می‌زند. سپس سرگرد سر می‌رسد و مچ او را می‌گیرد. این اتفاق با هوشمندی که از قبل، از خانم مشاور دیده بودیم همخوانی ندارد و این که زنی چنان باهوش این گونه بی‌گدار به آب بزند خیلی باورپذیر نیست. عشق پیدا و نهان سرگرد و خانم مشاور مثل سایر ویژگی‌های فیلمنامه که قبلا گفته شد، حالت سهل و ممتنعی به خود گرفته است. هر دو می‌دانند که چیزی بینشان است، اما هنوز حرفی رد و بدل نشده و همه چیز بر پایه نشانه‌ها و صحبت‌های دوپهلو است؛ حتی با وجود این ظن که مشاور تنها به دنبال فراری دادن زندانی است و شاید فریب سرگرد، اما این عشق نهان علاوه بر تلطیف فضا و بعد دادن به قصه و شخصیت‌ها، کارکردی داستانی به خود می‌گیرد. سرگرد هنگامی که متوجه نیت مشاور می‌شود، برخورد جدی با وی نکرده و او را رها می‌کند. این کارکرد عاشقانه سبب می‌شود که در نقطه انتهایی فیلم، برگشت مشاور به زندان باعث به دام نیفتادن زندانی شود و دوئل بین سرهنگ و زندانی تا لحظه آخر فیلم نیز ادامه یابد. از این جهت، وجه رومنس فیلم به نقطه مثبت آن تبدیل می‌شود. سرگرد جاهد که در نهایت، پیروز دوئل با سرخپوست شده، ولی جلوی فرار او را نمی‌گیرد. او به جای خالی کردن میدان و بازنده شدن، به عنوان برنده زمین بازی را ترک می‌کند، اما تصمیم‌گیری نهایی وی، تحمیلی و برآمده از نیت کارگردان است یا خود سرگرد؟ ما با حداقل داده‌ای که با خست، از شخصیت سرگرد به ما داده شده، نمی‌توانیم حدس بزنیم که تصمیم نهایی وی چه خواهد بود. به ویژه که مصرانه برای هدفش که به دام انداختن فراری است، تلاش می‌کند، اما در طول فیلم شاهد قلب رقیق او هستیم. هیچ گاه برخورد پرخاشگرانه یا بی‌ادبانه‌ای با زیردستان و زندانیان از او ندیده‌ایم و تنها جایی که کنترلش را در برابر دختربچه مرد فراری از دست داده، به شدت پشیمان و منقلب می‌شود. پس تصمیم نهایی او نمی‌تواند صرف خواست کارگردان بوده و گویی که اختیار از سرگرد سلب شده باشد. هر چند که انتخاب اخلاقی او به قیمت از دست رفتن موقعیت شغلی‌اش، در دنیای واقعی بسیار کمیاب خواهد بود.

با جمع‌بندی نکاتی که ذکر شد، سرخپوست را با ساختاری محکم و با حداقل نقاط ضعف و کمبود، می‌توان اثری درخور در «سینمای یک شکل با فیلمنامه‌های بدقواره ایران» نامید و بدون اغراق بهترین فیلم چند سال اخیر ایرانی دانست. بی‌صبرانه منتظر کار بعدی جاویدی خواهیم ماند.

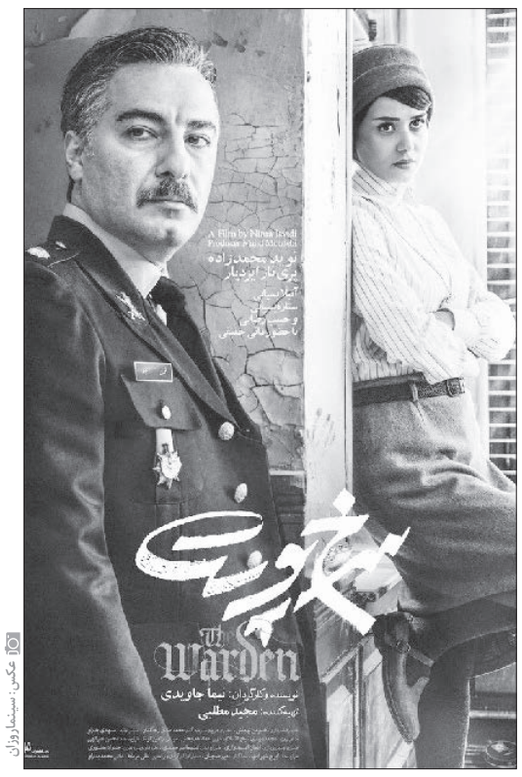

عکس: سینماروزان

لغو کنسرت علیرضا قربانی

نارضایتی مردم؛ ناچاری تدابیر امنیتی

کنسرت دوشنبه شب علیرضا قربانی، خواننده موسیقی سنتی، در مجموعه سعدآباد به دلیل همزمانی مراسم استقبال رسمی از نخست‌وزیر عراق و نزدیکی محل کنسرت لغو و قرار است گروه با یک شب اجرای اضافه آن را جبران کنند؛ با اینکه شرایط امنیتی روی داده قابل درک است؛ مخاطبان کنسرت یادشده که برای آن بلیت خریده‌اند از بی‌برنامگی روی‌داده ناراضی هستند.

علیرضا قربانی در پی لغو کنسرت دوشنبه شب در حساب کاربری توئیتر خود نوشت: «البته به روایتی می‌گویند ممکنه صدای کنسرت ما، حواس آقای روحانی و نخست وزیر عراق رو پرت می‌کرده و جلسه‌شون ناتموم و بی‌نتیجه می‌مونده و می‌خواستند بیایند سمت محل کنسرت. بنابراین کنسرت ما رو کنسل کردند». پس از انتشار این پیام خبرنگار موسیقی ایرنا که موفق نشد با علیرضا قربانی صحبت کند، به گفت‌وگو با رضا موسوی کارگردان این کنسرت پرداخت.

وی درباره اتفاقات شب گذشته گفت: «با توجه به این که در شرایط خاص شورای تأمین استان تهران بر اساس قانون می‌تواند در روند جریاناتی شبیه این کنسرت وارد شود، با توجه به اینکه همواره تابع قانون هستیم به نظر من در چنین شرایطی هیچ اعتراضی وارد نخواهد بود؛ اما این نظر شخصی من است و در باره موضع رسمی گروه ما، باید نظر آقای علی رضوی را جویا شوید».

علی رضوی مدیر برنامه و تهیه کننده این کنسرت در گفت‌وگوی تلفنی با خبرنگار ایرنا گفت: «شرایط ایجاد شده منجر به اتخاذ تصمیمی مبنی بر تغییر زمان کنسرت با توجه به همجواری محل برگزاری جلسه ریاست محترم جمهوری با نخست وزیر عراق شد، ما نسبت به این موضوع اعتراضی نداریم چون شرایط اینکه این اجرا در تاریخ دیگری انجام شود برای ما فراهم شده است».

این تهیه کننده در ادامه سخنان خود گفت: «اما می‌شد به جای لغو این کنسرت با تعامل و سخت‌گیری کمتر برنامه ما اجرا شود. چون مراسم استقبال رسمی از نخست وزیر عراق در ساعت ۵ تا ۷ و باقی جلسه گفت وگوی مقامات در نزدیکی محل اجرا انجام می‌شد و از طرفی کنسرت ما ساعت ۹ به بعد به روی صحنه می‌رفت». تهیه کننده کنسرت با من بخوان ادامه داد: هرچند به خاطر تصمیمات امنیتی اعتراضی نداریم، تکلیف مخاطبان ما که با خرید بلیت و تحمل ترافیک خود را به محل کنسرت رسانده بودند، چه خواهد شد؟ برخی مخاطبان ما از شهرستان برای دیدن این کنسرت آمده بودند و این امر نوعی نارضایتی در بین مخاطبان ایجاد کرد که عملاً مسئولان باید به آن توجه کنند.

خبر آنلاین: مراسم افتتاحیه فیلم «روزی روزگاری در هالیوود» (Once Upon a Time in Hollywood) به نویسندگی و کارگردانی کوئنتین تارانتینو برگزار شد.

ایرنا: اختتامیه هفتمین جشنواره بین‌المللی فیلم شهر در تالار وحدت تهران برگزار شد.

هفت

داریوش اسدزاده در منزل استراحت می‌کند

ایسنا: داریوش اسدزاده این روزها در منزل استراحت کرده و دوران نقاهت خود را می‌گذراند. افشین نکوبخت از نزدیکان داریوش اسدزاده درباره وضعیت جسمانی این هنرمند پیشکسوت که این روزها در منزل در حال استراحت است به خبرنگار مهر بیان کرد: داریوش اسدزاده حدود ۱۴ روز در بیمارستان بود و بعد مرخص شد و اکنون در منزل در حال استراحت است تا بهبودی کامل را به دست آورد. وی درباره وضعیت فعلی اسدزاده هنرمند سینما، تئاتر و تلویزیون اظهار کرد: پزشکان در جریان احوالات اسدزاده هستند و هر از گاهی هم در منزل او را معاینه می‌کنند.

صدور پروانه ساخت برای چند فیلمساز

سینماروزان: شورای صدور پروانه ساخت با تولید سه فیلمنامه موافقت به عمل آورده است. در این بین فیلمنامه «جنوب از جنوب شرقی» به کارگردانی مهران احمدی که پیشتر کمدی «مصادره» را ساخته بود جلب توجه می‌کند. نام فیلم‌نامه یادآور اثری از آلفرد هیچکاک است.

سریال دفاع مقدسی با حضور ۱۳۰ بازیگر

فارس: مجموعه تلویزیونی «ایل دا» در ۲۶ قسمت با موضوع دوران دفاع مقدس و حضور ۱۳۰ بازیگر ساخته می‌شود. مجموعه تلویزیونی «ایل دا» یکی از بزرگترین سریال‌های تلویزیون در حوزه دفاع مقدس است که تصویربرداری آن از ۱۵ مردادماه در روستایی حوالی خرم‌آباد لرستان آغاز خواهد شد. بنا بر این گزارش، این سریال قصه فداکاری و ایثار مردم غرب کشورمان در اوایل جنگ تحمیلی است و کارگردانی آن را راما قویدل بر عهده دارد.

روایت قصه آب در مستند «از قاهان تا مسئله»

نسل فردا: مجموعه مستند «قصه‌های آب» در سومین قسمت از سری دومش به مسیر آب از قاهان در خلجستان قم تا مسئله در نزدیکی دریاچه نمک این شهر می‌پردازد. رضا خوشدل تهیه‌کننده و کارگردان سری دوم «قصه‌های آب» درباره قسمت سوم این مجموعه مستند که پنجشنبه سوم مرداد ساعت ۲۲ پخش می‌شود، گفت: قصه جدید این مجموعه «از قاهان تا مسئله» نام دارد و قصه مسیر آب از قاهان در خلجستان قم تا مسئله در نزدیکی دریاچه نمک قم و مردمی که در این مسیر زندگی می‌کنند را روایت می‌کند. رضا خوشدل گفت: این مجموعه علاوه بر بررسی مشکلات برخی از روستاها و شهرها، راهکارهای آنان برای مصرف بهینه از آب باقی‌مانده را به تصویر می‌کشد. سری دوم «قصه‌های آب» پنجشنبه‌ها ساعت ۲۲ از شبکه مستند پخش می‌شود و بازپخش آن روز بعد ساعت ۶:۳۰ خواهد بود.

فرامرز قریبیان بازیگر «خروج» حاتمی کیا شد

سی نما: فرامرز قریبیان به عنوان نخستین بازیگر فیلم سینمایی «خروج» به کارگردانی ابراهیم حاتمی کیا انتخاب شد. فیلم سینمایی «خروج» نخستین همکاری قریبیان و حاتمی کیا در سینمای ایران محسوب می‌شود. «خروج» به تهیه‌کنندگی حبیب والی‌نژاد با اتمام نگارش فیلمنامه به تازگی وارد مرحله پیش تولید شده است. این اثر، بیستمین فیلم ابراهیم حاتمی کیا در مقام کارگردان در سینمای ایران است.

«داش آکل» منتظر نوبت اجرا در تئاتر شهر

مهر: حسن باستانی، کارگردان تئاتر از آماده‌سازی نمایش «داش آکل» برای اجرا در تئاتر شهر خبر داد و گفت: منتظر هستیم نوبت اجرا برای این کار را دریافت کنیم. حسن باستانی کارگردان تئاتر که از مدت‌ها قبل آماده‌سازی نمایشنامه «داش آکل» را به خبرنگار فارس خبر داده بود، عنوان کرد: در حال مذاکره با مجموعه تئاتر شهر هستیم تا بتوانیم یکی از سالن‌ها را برای اجرای نمایش بگیریم. وی در ادامه افزود: بیش از دو سال است که در تئاتر شهر اجرا نداشتم و الان می‌توانیم در یکی از سالن‌ها اجرا برویم، اما هنوز در حال مذاکره هستیم و چیزی قطعی نشده است، امیدوارم که به اجرای امسال برسیم.

دورخیز مشترک ریدلی اسکات، مت دیمون و بن افلک

مهر: ریدلی اسکات فیلم بعدی‌اش را برای کارگردانی انتخاب کرد و قراردادی برای ساخت «آخرین دوئل» با بازی مت دیمون و بن افلک امضا کرد. ریدلی اسکات در حالی برای کار بعدی خود، قرارداد کارگردانی فیلم سینمایی «آخرین دوئل» را امضا کرده است که مت دیمون و بن‌افلک برای حضور در این فیلم انتخاب شده‌اند. دیمون و افلک فیلمنامه را با همکاری نیکول هولوفسنر نامزد اسکار نوشته‌اند. قرار است اسکات، دیمون و افلک تولید فیلم را با کوین والش شریک اسکات انجام دهند.